

دریای خزر، مصالح و منافع ایران

کاظم ودیعی

جهانی است قدرت اعمال نفوذ سرمایه‌گذاران و فناوران جهان صنعتی موجب صدمه بر حقوق پیرامونیان و وارثان طبیعی می‌شود. و امروز خزر موضوع رقابت‌های جهانی است و در بسیاری از موارد از حیثه‌ی اقتدار منافع ملی کشورهای مجاور آن خارج می‌شود. مگر این‌که همه در مشارکت یکدیگر باشند.

دو بعد ملی و بین‌المللی در دریای خزر وقتی به هم می‌رسند که نفی همدیگر نکنند و هیچ یک از این دو فدای دیگری نشود. که در غیر این صورت زیان ملی و خصومت جهانی حتمی است.

نام خزر

دریای خزر نام خود را از قوم خزر که در جنوب غربی این دریا ساکن بوده‌اند گرفته است. بسیاری و از جمله ارتور کوستلر^۲ مایلند قوم خزر را قبیله‌ی سیزدهم یهودان به شمار آرند ولی بدیهی است که کرانه‌های جنوبی خزر قدیم‌تر از آن‌اند و تاریخ مازندران ابن اسفندیار و کتب دیگر ایرانیان مثل حمدالله مستوفی و اطلس جغرافیای تاریخی ایران^۳ و بررسی‌های باستان‌شناسی دویست سال اخیر^۴ کم‌ترین شاهدند. اما هرودت هم در پنج قرن قبل میلاد از این قوم و از این دریا حرف زده و ربطی به قبایل یهود نداده است. به هر حال این قوم بر ساحل جنوب غربی بین سواحل رود ارس و بندر آستارا می‌زیسته‌اند. و به قرار فرهنگ‌های ایرانی کلمه‌ی خزر به سیمای مردمی که فاصله‌ی چشم و ابروی آن‌ها کم‌تر از دیگران است اطلاق شده است.

بدیهی است ملل پیرامون خزر نیز نام دریا را به حسب زمان به تفاوت گفته‌اند: از جمله‌ی ایرانیان این دریا را دریای مازندران - گیلان یا دریای قزوین یا دریای پارس هم نامیده‌اند. و روس‌ها آن را دریای خوالینسکو Khvalynskoe نام قومی تورانی است در مصب ولگا نوشته‌اند و نیز در اطلس پتولمه Ptolemie متعلق به کتابخانه‌ی ملی ناپل (تهیه شده در قریب قرن دوم میلادی) از آن به نام دریای هیرکانی پارس Maris Hircani Pars و یا caspiv -

□ دریای خزر یک واحد جغرافیایی است. این‌که آن را دریاچه یا دریا بنامند از وحدت جغرافیایی آن کاسته نمی‌شود. زیرا در سرزمین‌های شرقی آن از جمله ماورالنهر و حتی در بعضی نقاط خراسان شمالی به سبب کمبود آب گاه رودخانه‌ها را هم لقب دریا داده‌اند. مانند آمودریا.

دریای خزر در واقع پهنه‌ی وسیعی است از آب که اگر آن را هم پهناب خزر بنامیم از حقیقت جغرافیایی آن دور نمی‌شویم.

بحث این‌که خزر دریاست یا دریاچه از آن رو مطرح است که واضعان حقوق بین‌الملل دریایی همه پدیده‌های آبی و دریایی را شامل احکام خود ندانسته‌اند از جمله برای پهناب خزر. این است که بعد تغییرات ژئوپولیتیک در پیرامون خزر و کشف ذخایر ارزشمند آن متوجه شدند که هیچ حکم از احکام حقوق بین‌الملل دریایی در باب این پهناب وجود ندارد. و این مهم همه دول ذی‌نفع و حتی سرمایه‌گذاران برون از منطقه را وادار به مطالعات و پژوهش‌ها کرد. ولی آن ضوابط ایده‌آل که همه‌ی دول وابسته به خزر را قانع کند یافتنش به سبب رقابت‌ها و منافع آسان نشد، پس مساله‌ی کشورها شده است و مساله‌ها مطرح شدند و پژوهشگران را به رفتن و یافتن ضوابط حقوقی در رابطه با منافع ملی کشورهای پیرامون دریای خزر و ابرقدرت‌های فن‌آور و سرمایه‌گذار را در کشف و استخراج و صدور و احداث خطوط لوله‌های گاز و نفت تشجیع و تشویق و حتی مجبور کرده است.^۱

مساله در سه بعد

دریای خزر در سه بعد جغرافیایی، ملی، اقتصاد جهانی سوخت مطرح است. مردم و کشورهای پیرامون آن علائق و منافع فرهنگی و اقتصادی با آن و در آن دارند. پس میراث دارند. اما وقتی خزر به دلیل ذخایر عمده نفت و گاز اعماق و به دلیل جایگاه واسط عبوردهی لوله‌های نفت و گاز در کانون معاملات و نیاز

Hircantim - sive دریای خزر هیرکانی نام رفته است.^۵ اما در یک نقشه که ورق آن را به تصادف شخصاً نزد عتیقه‌فروشی در پاریس خریدم.^۶ و اسامی دو هزار سال پیش بر آن ضبط شده است دریای خزر به نام Caspinum Area نوشته شده است. به استناد این نقشه تعلق خزر به قبیله‌ی فرضی سیزدهم؟ مشخص است.

وحدت جغرافیایی

گفتمیم که دریای خزر یک واحد جغرافیایی است به دلیل یکسانی ترکیبات آب و سطح دریا و آبریان و رستنی‌ها و تشابهات معرفه‌الارض در کرانه‌های پست باتلاقی و شوری خاک و ترکیب فراورده‌های رسوبی. ولی در سرزمین‌های پیرامونی تشابهات نوع معیشت اولیه و فرهنگ آن‌ها و حتی قصص و روایات حتمی است و کتاب «داستان‌های دریای خزر، نشر نو و ترجمه‌ی آن ماری پاسره ۲۰۰۳ A.M. Passaret» جز گوشه‌یی از آن نیست که نوع معیشت قبایل کوچ‌نشین و عشق به پرورش آب‌مشترک مردم آن سامان است.

امروز با همه‌ی تحولات نفوذ فرهنگ پارسی و ادب آن در جمهوری‌های آذربایجان و ترکمنستان و کاراخستان محسوس است که با درآمیختن با فرهنگ اقوام ترک آسیای مرکزی بعد حرکت مهاجرت آن‌ها تبدیل به فرهنگی مشترک شده است و بعدها هم فرهنگ روسی بر آن هم مزید شده است.^۷

به غیر از قوم خزر مهم‌ترین منطقه‌ی مسکونی تاریخی خزر مصب ولگا و به حوالی آستراخان است در خاک روسیه امروزی. بنابراین از لحاظ تاریخی سهم دو قدرت سیاسی ایران و روسیه در تصرف سرزمین‌های اطراف و تملک آن‌ها بالاست، ولی منکر تاثیرگذاری‌های دیگر هم نباید شد بویژه از بعد مهاجرت ترکان آسیای مرکزی و مغولان.

اینک نیم‌نگاهی کنیم به عوامل دگرگون‌ساز در منطقه:

ژئوپولیتیک: امروزه در پیرامون دریای خزر دو حلقه‌ی نفوذ استراتژیک حایل هر دو قدرت سیاسی قدیمی وجود دارد، به این شرح: حلقات ژئواستراتژیک گرد خزر؛ سلطه‌ی روسیه ایران؛ حلقه سوق‌الجیشی ایران - ترکمنستان - آذربایجان - کاراخستان؛ حلقه‌ی سوق‌الجیشی ارمنستان - ترکیه - ازبکستان - افغانستان محور امروزی مسکو تهران دهلی پکن. به همین دلیل امروز حتی روسها معتقدند که فدراسیون آن‌ها

ذاتا بومی‌گرا و مختلف‌المذهب است.^۸ چنین‌اند چرخش‌های تاریخی و اثر آن‌ها بر خزر.

در میان کشورهای امروزی پیرامون خزر ایران و روسیه به عنوان قدیمی‌ترین صاحب با اقتدار سیاسی تاریخی البته شناخته‌تراند. اما نظر به چرخش‌های تاریخی و به خصوص دست به دست شدن سرزمین‌ها^۹ باید به بازنگری در دید سیاسی و تصحیح مدار داورى‌های ارثی کهن رفت.

مادام که ایران و روسیه در قدرت سیاسی پیرامون دریای خزر بودند اختلاف بر سر خزر به حسب آن‌که کدام یک از این دو غالب بودند جنبه‌ی ناحیه‌یی داشت. اما از آن زمان که روسیه‌ی تزاری رو به صنعتی شدن کرد و تصادفاً ایران در عقب‌ماندگی علمی و صنعتی درجا زد کفه‌ی سلسله بر خزر بود قدرت سیاسی روسیه؟؟ بالا رفت. اما با آن‌که روس‌های تزاری بر اراضی بسیاری در شرق و غرب دریای خزر دست یافتند در مورد خزر به صورت ملایمی تعلق آن را به هر دو دولت تصدیق می‌کردند، منتهی اصرار داشتند که دولت سومی در این دریا اعمال نفوذ نکند.

واقعیت تاریخی

وقتی سود ایرانیان در سواحل خزر محدود به صید ماهی آن هم از نوع «حلال» آن باشد، چنان‌چه به عهد قاجار بود دریا در چشم مردان سیاسی شکست خورده از تزار جز «آب شورى»^{۱۰} نیست. و وقتی که مردم روسیه‌ی تزاری از ما ایرانیان در نوع تغذیه و آداب دینی متفاوت باشند و ضمناً روسیه قادر به صنعت کشتی‌سازی و پرورش ماهی از همه نوع و عالم بر دریاشناسی و تجارت باشد برای دولت روسیه خزر یک ذخیره‌ی آینده‌ساز است. اما روسیه‌ی تزاری تا حتی انتهای عهد شوروی به سبب آسانی و اولویت‌ها عمرانی و توسعه اقتصادی در کشور وسیع خود در خزر سرمایه‌گذاری مهمی نکرد.^{۱۱}

روسیه‌ی تزاری طی سال‌های ۱۵۸۴ تا ۱۹۰۰ پیشرو در کار جهانگشایی‌ها بود و اراضی پیرامون خزر را در همین سال‌ها از آن خود کرد بویژه بین سال‌های ۱۸۱۵ تا ۱۹۰۰ که در این منطقه در رقابت با استعمار انگلیس بود. این جهانگشایی‌ها این کشور وسیع را از ترقیات صنعتی دور انداخت این بود که حتی در دو دهه‌ی آخر نظام شوروی به جز در باکو سرمایه‌گذاری صنعتی مهمی نکرد. و

با سقوط شوروی همه جا از ذخایر عظیم دریای خزر نوشتند و استدلال می کردند که نفت و گاز خزر می تواند با نفت و گاز خلیج فارس رقابت کند.^{۱۳} حاصل اولین تخمینات بر این بود که ذخایر نفت خزر به ۲/۳۶ تا ۶ میلیارد تن و ذخایر گاز به ۶/۵۷ میلیون مترمکعب بالغ است «نک: جدول پیوست. ارقام سال ۲۰۰۵» منبع: وزارت انرژی آمریکا.

اگر طمع هیتلر در جنگ دوم جهانی به ذخایر نفتی قفقازیه آن زمان کشف آن ها نشده بود شاید باز هم کندتر می رفتند. به هر حال سوخت اصلی جهان صنعتی عمدتاً زغال سنگ بود و نفت در درجه ی نیاز امروزی نبود و نیز گاز دور از مصرف عام بود.

ابعاد و کیفیات طبیعی

دریای خزر به مساحت کمی کم تر از ۴۰۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع از لحاظ معرفت الارضی نهاده بر هسته ی سختی از قدیمی ترین اراضی است. به طوری که آن امواج و حرکات زمینی (Tectonic) که منجر به زایش و ظهور کوه های عهد سوم زمین شناسی و بالا آمدن ناهمواری های قبلی شد نتوانست آن بخش اراضی صلب و سخت اعماق خزر را چندان دگرگون کند. پس گودی خزر دریای البرز و در انتهای کوه های قفقاز آبیگری مانده از دریاهای قبلی شد که امروز وسیله ی رودهای دامنه ی شمالی البرز و نیز ولگا تغذیه ی آب شیرین می کنند. دریای خزر در عمق خود بخش عمیق (نزدیک سواحل ایران) و یک بخش دیگر که کم عمق تر است را دارد که واقع در شمال خط باکو به مرز آبی ترکمنستان «ترکمن باشی» می باشد. عمق گودال شمالی ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ متر و عمق گودال جنوبی بیش از ۱۲۰۰ متر است. و ذخایر نفت و گاز خزر بیش تر در بخش کم عمق شمالی کشف شده اند.

مصرف و نوسان قیمت نفت

از بعد سال های ۱۹۹۰ مطالعات مربوط به پیش بینی مصرف نفت جهان مسلم داشت که ظرف سال های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۰ رشد مصرف به حدود ۳۹٪ خواهد بود. پس کشورهای صنعتی به پژوهش های بسیار دست زدند تا نیاز خود را به نفت ارزان و آسان به استخراج خاورمیانه را کم کنند زیرا در این سرزمین ها غلیان های ملی و غرب ستیزی اوج می گرفت.^{۱۲} شوروی ها و دیگر کشورهای صنعتی به دلیل صنایع نفت باکو از ذخایر نفت و گاز اعماق خزر آگاه بودند ولی به سبب اقتصادی نبودن استخراج این مواد از اعماق دریا به آن توجه نمی کردند. بد نیست به یاد آریم که در آن سال ها استخراج یک تن نفت در خلیج فارس ۳ تا ۵ دلار هزینه برمی داشت و در منطقه ی آذربایجان شوروی این هزینه به ۱۷ دلار می رسید.

رفع تردید

کشف منابع گاز ترکمنستان (دنباله منابع گاز شمال شرقی ایران) سابقه اش به سال های قبل از انقلاب اسلامی و سقوط شوروی می رسد. ولی وقتی بر کشفیات همین ذخایر در کاراخستان و خزر افزوده شد دیگر کسی در اقتصادی بودن استخراج آن ها تردید نکرد. از سوی دیگر استفاده از خزر برای عبور دادن منابع آسیای مرکزی وسیله ی لوله های گاز و نفت بر و نیز کشتی های نفت بر به خزر نقش تازه یی داد. و وقتی که مسلم شد که منابع نفت شمال اروپا رو به کاستی می روند رقابتی شدید بین کمپانی های نفت جهان و کشورهای ساحل خزر پدید آمد. سپس دریای خزر قلب ژئوپولیتیک عصر ما شد.

19. La répartition des réserves gazières caspiennes entre les pays riverains, estimations occidentales (juillet 2005)

| Pays | Réserves gazières prouvées, trillions de m ³ | | Réserves possibles | Total trillions de m ³ | |
|--------------|---|------------------|--------------------|-----------------------------------|------------------|
| | estimation basse | estimation haute | | estimation basse | estimation haute |
| Russie* | | n/a | n/a | n/a | |
| Kazakhstan | 1,84 | - | 2,49 | - | 4,33 |
| Azerbaïdjan | 0,85 | - | 0,99 | - | 1,84 |
| Turkmenistan | 2,01 | - | 4,50 | - | 6,51 |
| Iran* | 0 | - | 0,31 | - | 0,31 |
| Ouzbékistan | 1,87 | - | 0,99 | - | 2,86 |
| Total | 6,57 | - | 9,28 | - | 15,85 |

* uniquement la région caspienne

Sources: d'après Country Analysis Brief, Caspian Sea Region, Washington, U.S. Department of Energy, Energy Information Administration, July 2005.

18. La répartition des réserves pétrolières caspiennes entre les pays riverains, estimations occidentales (juillet 2005)

| Pays | Réserves pétrolières prouvées, milliards de barils (tonnes) | | Réserves possibles | Total milliards de barils (tonnes) | |
|--------------|---|------------------|--------------------|------------------------------------|------------------|
| | estimation basse | estimation haute | | estimation basse | estimation haute |
| Russie* | 0,3 (0,04) | - | 7 (0,96) | - | 7,3 (1,0) |
| Kazakhstan | 9 (1,23) | 29 (3,97) | 92 (12,6) | 41 (5,62) | 61 (8,36) |
| Azerbaïdjan | 7 (0,96) | 12,5 (1,71) | 32 (4,38) | 39 (5,34) | 44,5 (6,10) |
| Turkmenistan | 0,546 (0,07) | 1,7 (0,23) | 38 (5,21) | 32,546 (4,46) | 33,7 (4,62) |
| Iran* | 0,1 (0,01) | - | 15 (2,05) | - | 15,1 (2,07) |
| Ouzbékistan | 0,3 (0,04) | 0,594 (0,08) | 2 (0,27) | 32,3 (4,42) | 32,594 (4,46) |
| Total | 17,25 (2,36) | 43,79 (6) | 186 (25,5) | 167,25 (22,9) | 171,79 (23,5) |

* uniquement la région caspienne

Source: Country Analysis Brief, Caspian Sea Region, Washington, U.S. Department of Energy, Energy Information Administration, July 2005.

سیاست‌ها و بحث‌ها شد و ژئوپولیتیک خاص خود را پدید آورد.

تخمین‌ها

منطقه‌ی خزر در آخرین بررسی‌ها پنج درصد کل ذخایر هیدروکربور جهان را در خود دارد و می‌تواند سالانه ۶۰ میلیارد مترمکعب گاز و ۱/۵ میلیون چلیک هیدروکربور تولید کند.

دگرگونی بعد شوروی

روسیه که خود نفت بسیار دارد در غرب خزر سرمایه‌گذاری بیش‌تری در کار لوله‌های گازبر کرده است. کشورهای آذربایجان و ترکمنستان و کاراخستان سابقاً با روسیه‌ی تزاری به صورت جزئی از کشور و با روسیه‌ی شوروی به عنوان جمهوری‌های نیمه مستقل زندگی کرده و روابطی تنیده‌اند. بعد سقوط شوروی کشور آذربایجان هرچه بیشتر با امریکا نزدیک شد ولی از روابط دوستی با روسیه هم بهره گرفت. روس‌ها مستعمره‌داری در این نواحی نکردند و انگ استعمار بر آن‌ها زده نشد. ترکمنستان مدت‌ها در روابط با اروپا و امریکا مظنون بود و کاراخستان در عهد جرج واکر بوش به امریکا نزدیک شد.

در این دوره روس‌ها در رقابت تجاری با غرب شدند نه در جنگ. چه بسا بها را در قراردادهای افزون می‌کردند به صورتی غیرعادی تا دوستی را حرمت و دوستان قدیم را حفظ و رقیب را برانند. اما روس‌های ساکن این سه کشور تازه مستقل شده تا حدود ۷۵٪ این کشورها را ترک کرده به روسیه رفتند. در عهد پوتین سعی شد روس‌ها را در جمهوری‌های مستقل شده تشویق به ماندن کنند یا جبراً به آن‌ها اجازه‌ی آمدن به روسیه ندهد تا علایق گذشته وسیله آن‌ها در این کشورهای همسایه به جا بماند و توسعه یابد.

بحث پیش‌تر در باب استراتژی روس‌ها در دریای خزر از آن لحاظ است که این کشور در برخورد با واقعیات اقتصادی توانست با مهارت بی‌سابقه‌ی خود را با وضع پیش آمده تطبیق دهد به این معنی که چون کنترل دریای خزر با ابزار میراث تاریخی میسر نبود متوجه مشارکت همه‌جانبه در کشور و استخراج ذخایر خزر شود. روس‌ها این مشارکت را با تک‌تک کشورهای پیرامون دریای خزر به همان اندازه دنبال کردند که در مورد کمپانی‌های نفت بزرگ جهانی. از سوی دیگر کوشیدند با ملل مسلمان خاورمیانه در حسن

رقم مربوط به ذخایر دریای خزر به استناد آمار وزارت انرژی امریکا به ۱۶٪ کل ذخایر جهانی می‌رسد، اما در منابع دیگر مثل آمار مجله A review of world energy میزان ذخایر نفت کل کشورهای پیرامون خزر به ۳۴/۷ میلیارد تن بالغ است که برابر است با ۲۱ درصد کل ذخایر جهانی (سهم ایران ۱۸/۲ میلیارد تن بوده است) و سهم روسیه ۹/۹ و سهم کاراخستان ۵/۴ میلیارد تن می‌باشد.

بازار تیزی

گروهی از محققان امریکایی و دیگران به این نتیجه رسیدند که میزان ذخایر دریای خزر بیش از اندازه تخمین زده شده است. اما تفاوت در تخمین گروه‌های محققان بسیار بود. گاهی هم در کم یا زیاد بودن تخمینات مربوط به ذخایر هیدروکربون در دریای خزر ملاحظات سیاسی بود تا رقبا به اشتباه افتند یا این که میزان قیمت‌ها تنزل کند. ۱۴ به عنوان مثال وقتی کمپانی بریتیش پترولیوم قراردادی برای گمانه‌زنی و حفاری و استخراج نفت امضا کرد سهام آن شرکت در بورس بسیار بالا رفت و این نشانگر آن است که محافلی از اهمیت میزان ذخایر باخبر بوده‌اند.

در آن سال‌ها گاهی تاخیر کمپانی‌ها در اقدام به کار به این دلیل بود که انتظار بالا رفتن بهای نفت را داشتند (۲۰۰۶-۲۰۱۲) و اینک ما می‌بینیم که به دلایل توسعه نخواست‌ها و طرح‌های عمرانی بزرگ و نیز به دلیل جنگ عراق هم بهای نفت بالا رفته است و هم در مورد اهمیت ذخایر نفت و گاز خزر تردیدی به جا نمانده است. درست یا نادرست میزان سرمایه‌گذاری کشورهای پیرامون دریای خزر زیاد نیست. اگر این تشخیص به آن دلیل است که خود خطر نکنند ظاهراً به جا عمل کرده‌اند و اگر به دلیل بی‌خبری از ظرفیت‌های خزر است زیان برده‌اند.

منابع مختلف برآند که ذخایر خزر در ۲۰۱۰ می‌تواند سه تا چهار درصد تولید جهانی را تامین کند. «ونزوئلا ۷ تا ۸ درصد و خاورمیانه ۲۵ تا ۳۵ درصد». باری هزینه‌ی استخراج در خزر به دلیل وضع قرارگیری مخازن و شرایط معرفت‌الارضی گران‌تر از خلیج فارس است. ولی دریای خزر نقش دوگانه تولید هیدروکربور و عبور دادن وسیله‌ی لوله‌های نفت و گاز بردارد که اقتصادی وابسته ولی دوگانه‌اند. و بی‌تردید طرح‌های توسعه‌ی اقتصادی و عمرانی بسیاری را ایجاد خواهد کرد.

به این ترتیب ذخایر اعماق دریای خزر موجب ظهور نوعی از

رابطه قرار گیرند بی آن که مستقیماً منافع امریکا را در این سرزمین‌ها لطمه زنند. در مورد ایران با وجود فاصله گرفتن از تکیه بر میراث‌داری تاریخی در دریای خزر هر وقت توانستند در کار مشارکت‌های اقتصادی با ایران پیش رفتند و در بعضی موارد خلاء ناشی از برون‌رفت امریکا را پر کردند.

نگاه ایران

این واقعیت که ایران در نبرد سردی از بعد انقلاب اسلامی با امریکا و تا حد همه‌ی دول غرب بسر می‌برد و نیز این که در



شدن ذخایر خزر مفید بود و همپایی روس‌ها را هم تضمین می‌کرد. اما بعد امضا قراردادهای ژئوپولیتیک دریای خزر و کشورهای پیرامون دگرگون شد. اختلافات ایران با جمهوری آذربایجان و تبعیت جمهوری آذربایجان از امریکا در خصوصت با ایران ولایتی مانع ورود ایران به دیدگاهی بود که به مشارکت مالی ایران در فعالیت‌های اقتصادی دریای خزر راهی دهد.

این نکته که در قراردادهای تاریخی ایران و روسیه درباره‌ی دریای خزر هرگز اشاره‌ی به اعماق و بهره‌برداری ذخایر اعماق نشده است ایران و روسیه را در برابر استدلال دیگر کشورهای ساحلی خزر مستأصل می‌داشت و دست سه کشور جدید الولاده مستقل آذربایجان و ترکمنستان و کاراخستان را در عقد قرارداد با دیگران و بین خودشان باز می‌گذاشت.

اختلاف اساسی بر سر بهره‌برداری از بخش ساحلی نبود. اختلاف آن‌جا بود که «حقوق دریایی» مصوب سازمان ملل شامل دریای خزر نمی‌شد. ۱۵ و ۱۶ و ۱۷

و می‌دانیم که بحث‌های دراز در جلسات مشترک کشورهای پیرامون دریای خزر بر سر این که خزر دریاست یا دریاچه یا پهناپ یا آب‌های مرزی همراه با ذکر حماسه‌های تاریخی میراث‌داران روسیه و ایران به جایی نرسید. ۱۸

کسی منکر آن گذشته‌ها نبود. ولی رابطه‌ی تاریخی نزدیک و قاهرانه ایران یا روسیه یا هر دو بر دریای خزر ایجاد حق نمی‌کرد و تنها موجب حرمت تاریخی و نفوذهای فرهنگی می‌شد. مسأله‌ی اساسی رسیدن به راه‌حلی بود تا بهره‌برداری از ذخایر ممکن شود و این امر نیاز داشت به دو چیز:

یکی تجدید نظر در دیدگاه روس‌ها و ایرانی‌ها بر خزر و قبول حقوق دریایی سه کشور جدید. دوم تهیه سرمایه برای کشف و استخراج و صدور منابع و البته این یکی مستلزم همکاری با کمپانی‌ها و قدرت‌های غرب دموکرات صنعتی بود.

چنین شد که پیشنهاد روسیه و ایران دایر بر «مشاع» داشتن دریای خزر در سطح و عمق به سایه رفت و اقدام جمهوری آذربایجان در عقد قرارداد با کمپانی‌ها در قلمرو دریایی این کشور شدنی شد. ۱۹

در حالی که روسیه و چین دست از سیاست‌های غرب‌ستیزانه می‌کشیدند ایران به سمت اجرای نسبتاً دقیق این سیاست‌ها می‌رفت و خشونت دوران جرج واکر بوش به آن‌ها مستمسک بسیار

سواحل دریای خزر وابسته به خاک خود فعلاً ذخایری چندان ندارد این کشور را از مشارکت و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی دریای خزر محروم ساخت.

برخلاف جو اقتصادی موجود در دریای خزر ایران راه به ایجاد جوّی مملو از احساسات ملی دریاب خزر داد، که در خارج از کشور نزد دیگران اعتبار داد و ستدی و حقوق دریای نداشت ولی گاه شیفتگی‌های؟؟؟ یابند.

تکیه بر قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۷ مسلماً تا قبل از اقتصادی

به دست داد تا در این خط پای فشارند. اما در عرصه‌ی جهانی روسیه و چین حمایت‌شان از ایران محدود به منافع‌شان با غرب بود. چنین بود که گرچه آذربایجان در چنگک جغرافیایی روسیه و ایران بود سریعاً این کشور و روسیه در دریای خزر به تفاهم رسیدند. به خصوص که از عهد نخست‌وزیری پریماکف خطوط سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه چنین ترسیم شده بود «روسیه می‌تواند از نو به یک ابرقدرت تبدیل شود به شرط آن که متکی باشد بر مشتریان عرب و ایران.» و ایران مشتری اسلحه و نیازمند به همکاری با روسیه در امر گاز و نفت و ذوب آهن و هسته‌یی و هواپیما و لوله‌کشی در راه‌آهن‌سازی بود و در ۲۰۰۶ حجم صادرات روسیه به ایران به ۲ میلیارد دلار رسید.

در شمال ایران برای صدور گاز و نفت محدودیت‌ها وجود داشت و دارد. پس هر طور فکر شود ایران مجبور شد در مذاکرات دریای خزر رفته رفته متمایل به خطوط پیشنهادی روسیه شود. این بود که سعی بر جلب دوستی و مراوده‌های سازنده با آذربایجان مبذول داشت تا با ابر اختلافات به مشارکت‌های اقتصادی با این کشور برسد. ولی جمهوری آذربایجان به دلیل همدلی با آمریکا نمی‌توانست زیاد پیش رود در همدلی با ایران.

در ۱۹۹۲ جمهوری اسلامی پیشنهاد تشکیل شورای کشورهای پیرامون بحر خزر را داد تا به امر آلودگی‌های تجارت و دریانوردی و صید در دریای خزر برسد. متأسفانه این پیشنهاد به سبب ورود سرمایه‌های غربی و قراردادهای کمپانی‌ها از اثر افتاد. در همین ایام ۵۷ کشور مسلمان در سازمان همکاری اسلامی OCI مرکب از اعراب و ترک‌های مسلمان بی‌شرکت ایران تشکیل شد و ایران باز منزوی بماند.

مساله آلودگی‌های دریای خزر و سواحل آن می‌توانست عامل وحدت‌بخش نظرات باشد. به عنوان مثال در سواحل کاراخستان ۶۰۰۰۰ کیلومتر مربع کرانه آلوده وجود داشت و دو میلیارد زیان می‌آورد و نیز از نمک و صید و خاویار می‌توانست موجد همکاری‌ها و مشارکت‌ها شود. آلودگی‌های نفتی در آذربایجان و دیگر آلودگی‌ها در مصب وسیع ولگا و زباله‌های کود شیمیایی که بر اثر آب‌های روان به دریا می‌رفتند نیز می‌توانست دامن‌زن مشارکت‌ها باشد. اما جمله این چشمه‌های همکاری قربانی سیاست خارجی ایران و آذربایجان و آمریکا گردید. ■

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ظرف سی سال اخیر پژوهش‌های زمین‌شناسی، آب‌شناسی، محیط زیستی و حقوقی و بالاخره ژئوپولیتیک بسیار درباره‌ی دریای خزر انجام شده است که اکثراً آنتاب‌زده‌اند زیرا نیاز به سوخت هیدروکربور منتهی به رقابت‌های نامیمون شده است و کمپانی‌های نفتی در این خطا سهیم‌اند. اما رفته‌رفته افق بررسی‌ها از ابر اغراق پاک می‌شوند.
- ۲- نک: آر تور کوستلر A. Khvalynskoe در کتاب سیزدهمین قبیله نشر Tallandier پاریس ۲۰۰۸. و نیز کتاب گاریک گالیستان به نام منافع ژئوپولیتیک روسیه در منطقه‌ی خزر، نشر هارماتان، پاریس، ۲۰۰۹
- ۳- از انتشارات موسسه‌ی جغرافیای دانشگاه تهران، ۱۳۵۰
- ۴- به استناد فرهنگ عمید
- ۵- Cosmographie - نقشه‌های جغرافیایی پتولمه - قرن ۱۵ - نشر Torrina(fo) - ۱۹۹۰
- ۶- این نقشه چاپ جغرافیدان فرانسوی Q.H.Brue است و به سال ۱۸۲۱ چاپ شده است و قید دارد بر این که نام‌های آمده بر آن متعلق به قبل از زمان ؟ است. من اصل این نقشه را به استاد دکتر احمد مستوفی در ۱۹۹۰ هدیه کردم و فتوکپی آن نزد من است.
- ۷- نک: یوسف امیری: گفت‌وگو با دکتر فرخ (کاوه)، مجله‌ی هفته، مونرآل شماره ۷۹ سال ۲۰۱۰
- ۸- به نقل از ولادیمیر بوتین
- ۹- از همه مهم‌تر از دست رفتن ایالات ایرانی در ماوراءالنهر در قفقازیه و ارمنستان در عهد تزارها و قاجارهاست که بعداً جمهوری‌های تابع شوروی بر آن‌ها تاسیس شد.
- ۱۰- این اصطلاح حاج میرزا آغاسی نقل کتب تاریخی معتبر ماست.
- ۱۱- نک: U.R.S.S. اثر چند مؤلف روسی زیر نظر (Dore Ogrize) ناشر پاریس ۱۹۶۰ - گفتنی است که تا پایان عهد افشاریه تمامی سواحل نیمه جنوبی دریای خزر از آن ایران بوده است.
- ۱۲- به استناد «نفت خزر و منافع امریکای متحد» نوشته A.Korneev و S.Gardas در ۲۰۰۲، به نقل از گالیستان.
- ۱۳- امریکا تجربه‌ی نفت ونزوئلا و عربستان را داشت. نک: مقاله‌ی عقلا نیت دولتی و احساسات ملی، نگارنده در همین ستون.
- ۱۴- گاریک گالیستان.
- ۱۵- نک: ایولاکوست Ive Lacoste سیستم‌های زمین‌شناسی و حقوق بین‌الملل، ۱۹۹۳، فلاماریون، پاریس
- ۱۶- نک: ناظمی، م. دریای خزر و حقوق بین‌الملل، ۲۰۰۱، پاریس، تز دکترا
- ۱۷- نک: سرداری، و. فصلی از تاریخ دیپلماسی ایران تا ۱۹۱۷، نشر Lavegne.m. ۱۹۴۱، پاریس
- ۱۸- روس‌ها هم مثل ایرانیان ابتدا احساسات ملی را پیش می‌راندند. از جمله در ۱۹۲۰ پراو دا خزر را «دریای شوروی» نوشته است که مسموع نیفتاد.
- ۱۹- بین ایران و روسیه هرگز قرارداد تحدید حدود بسته نشد. اما جمهوری‌های سابق شوروی با دولت شوروی قرار و مدارهایی داشتند.